



۳۴۲

فراز و فرقه دمکرات آذر بايجان

به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای
اتحاد جماهیر شوروی

جمیل حسنی
ترجمه

منصور حمادی

تشکیل فرقه دمکرات [آذر بايجان]
و ايده خودمختاری

+ سرانجام پيشه وری

xalvat.com



Hasanov, Jamil

حسنوف، جمیل

فراز و فروید فرقه دموکرات آذربایجان به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی / جمیلی حسنوف: برگردان از آذربایجانی منصور همادی، - تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.

دوازده، ۲۳۹ ص:، منصور.

ISBN 964-312-748-6

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Guneĭ Azarbaijan: Tehran—

عنوان اصلی:

Baky — Moskva arasynda, 1939—1945, 1998.

۱. فرقه دموکرات آذربایجان، ۲. آذربایجان - تاریخ - واقعه ۱۳۲۲ - ۱۳۲۵، ۳. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - جنبش‌ها و قیام‌ها، ۴. ایران - روابط خارجی - روسیه شوروی، ۵. روسیه شوروی - روابط خارجی - ایران، الف. همادی، منصور، مترجم، ب. عنوان.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵

DSR ۱۵۱۱ ح ۵
۱۳۸۳

م ۸۳-۳۱۵۳۷

کتابخانه ملی ایران

xalvat.com



نشر نی

تهران، خیابان فساطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸
صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵، نشر نی تلفن ۵۹ و ۸۰۰۴۶۵۸
دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده،
شماره ۵۱۲ تلفن ۶۴۹۸۲۹۳ فکس ۶۴۹۸۲۹۲
کتابفروشی: خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹ تلفن ۸۹۰۱۵۶۱
جمیل حسنوف
پاکو ۱۹۸۸ - ۱۹۸۹

فراز و فروید فرقه دموکرات آذربایجان

به روایت اسناد محرمانه آرشیوهای اتحاد جماهیر شوروی

ترجمه منصور همادی

• چاپ اول ۱۳۸۳ تهران • تعداد ۲۲۰۰ نسخه • لیتوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-748-6

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۴۸-۶

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است



فهرست مطالب

یادداشت ناشر هفت

سخنی کوتاه درباره کتاب‌های جمیل حسنلی ۱

کتاب اول: بخش‌هایی از کتاب

آذربایجان: کشمکش میان تهران، باکو و مسکو سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۴۵

تخصیصی از مقدمه مؤلف ۷

برنامه‌های نظامی-استراتژیک اتحاد شوروی درباره آذربایجان ۱۵
ورود نیروهای شوروی به ایران و استقرار آنها در آذربایجان

(اوت-دسامبر ۱۹۴۱) ۱۸

تردیدهای سال ۱۹۴۲ ۲۸

آغاز دوباره فعالیت‌ها در تبریز ۳۴

مبارزه برای نفت و سفر کافتارادزه به تهران ۴۱

تبریز: ماه‌های ژانویه-مارس ۱۹۴۵ (دی-اسفند ۱۳۲۳) ۴۴

پایان جنگ در اروپا و دعای خیر شیخ الاسلام ۴۸

شش فراز و فرود فرقه دمکرات آذربایجان

- ۵۰ . تابستان سال ۱۹۴۵ - قرارهای صادره در مسکو درباره آذربایجان
- ۵۶ . تشکیل فرقه دمکرات و ایده خودمختاری
- ۷۱ . آذربایجان در آستانه بیستویکم آذر ۱۳۲۴

کتاب دوم: بخش‌هایی از کتاب

آغاز جنگ سرد در آذربایجان سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۶-۱۹۹۹ باکو

- ۸۵ ... **xalvat.com** تلخیصی از مقدمه مؤلف
- ۸۹ ... دسامبر ۱۹۴۵: نقطه عطف تاریخی ۲۱ آذر
- ۹۸ ... یژواک ۲۱ آذر: هیجان در تهران، کنفرانس مسکو
- ۱۰۳ ... حکومت فرقه دمکرات آذربایجان: میان خودمختاری و استقلال
- ۱۱۴ ... ژانویه ۱۹۴۶: آغاز دوره اصلاحات در تبریز
- ۱۲۵ ... فوریه ۱۹۴۶: سفر قوام السلطنه به مسکو
- ۱۳۷ ... منطقه آغاز جنگ سرد: آذربایجان، مارس ۱۹۴۶
- ۱۴۸ ... آذربایجان: بهار پرهیجان ۱۹۴۶
- ۱۷۱ ... آوریل-ژوئن ۱۹۴۶: جمع‌بندی تاریخی شش ماهه اول
- ۱۸۳ ... پاییز پرتضاد سال ۱۹۴۶: در آستانه فاجعه بزرگ
- دسامبر ۱۹۴۶: شکست تلخ دمکرات‌های آذربایجان، نخستین
- ۱۹۷ ... «پیروزی» ملل متحد
- ۲۱۹ ... ضمیمه: سرانجام پیشه‌وری
- ۲۲۵ ... نمایه



تشکیل فرقه دموکرات و ایده خودمختاری

xalvat.com

احمد یعقوب‌آف مستشار سفارت شوروی در تهران، اوایل ماه اوت ۱۹۴۵ به (مرداد-شهریور ۱۳۲۴) تبریز آمد. هدف او از این سفر آشنا شدن از نزدیک با اوضاع آذربایجان و در همسویی با قرار پولیت‌بورو و دستورات باکو، سرعت بخشیدن به کارهای مقدماتی برای تشکیل فرقه دموکرات بود. ماتویف سرکنسول شوروی در تبریز قادر نبود خود را با وضع جدیدی که در آذربایجان پیش آمده بود تطبیق دهد. درواقع این احمد یعقوب‌آف بود که کارهای



آذربایجان: کشمکش میان تهران، باکو و مسکو ۵۷

xalvat.com

کنسولگری را اداره می‌کرد. هنگامی که توده‌ای‌ها در تهران از فعالیت‌ها برای تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان اطلاع حاصل کردند، با استفاده از همه امکانات برای خنثی کردن این برنامه دست به کار شدند. در اوایل ماه اوت ۱۹۴۵ (مرداد ۱۳۲۴) آرداشس آوانسیان، امیرخیزی و حسین نوری [زولون] از رهبران حزب توده به تبریز آمدند. (۱۰۰) آوانسیان در دیدار با سرکنسول شوروی اعلام کرد به عقیده کمیته مرکزی حزب توده وقت آن فرارسیده که در روستاها مبارزه علیه مالکین شدت یابد. چند روز بعد توده‌ای‌ها در تبریز جلسات کمیته‌های روستا را برگزار کردند و درباره شدت بخشیدن به مبارزه طبقاتی دستوراتی صادر شد. اعضای برخی از کمیته‌ها بعد از مراجعت از تبریز این دستورات را اجرا کردند. در اردبیل کمیته، برای خلع سلاح مالکین اقدام به تشکیل گروه‌های مختلف کرد. (۱۰۱) آنچه را که میرجعفر باقراوف در نامه خود به مأموران سیاسی در آذربایجان ایران پیش‌بینی کرده بود به وقوع پیوست و برای خنثی کردن کارهای آماده‌سازی اتحاد شوروی در آذربایجان، نخستین اقدام از جانب توده‌ای‌ها به عمل آمد. در مقابله با اعلام شعارهای جدایی خواهانه از جانب فرقه دموکرات و برای جلوگیری از جلب شدن تجار، پیشه‌وران و به‌ویژه مالکین به فرقه، توده‌ای‌ها دست به یک سلسله عملیات خرابکارانه زدند که شدیدترین حادثه در ده لیقوان به وقوع پیوست. نهم اوت ۱۹۴۵ (۱۸ مرداد ۱۳۲۴) آرداشس آوانسیان و امیرخیزی، رضا رضایی و ابوالفضل هاشمی اعضای حزب توده را به همراه گروهی در حدود صد نفر برای برگزاری یک میتینگ به لیقوان فرستادند. میان افراد حاجی احتشام لیقوانی مالک ده و میتینگ‌دهندگان برخوردی مسلحانه صورت گرفت. در این حادثه سه نفر از افرادی که به لیقوان آمده بودند، حاجی احتشام، فرزند او و یکی از نوکرانش به قتل رسیدند و اموال حاجی احتشام غارت شد. لازم به تذکر است که سلطان احتشام فرزند ارشد حاجی احتشام با روس‌ها مناسبات دوستانه برقرار کرده و در مقام نماینده مجلس چهاردهم به آنها کمک‌هایی کرده بود. در مسئله دادن امتیاز نفت شمال به شوروی، او اعلامیه‌ای را علیه ساعد مراغه‌ای نخست‌وزیر آن دوران به امضای



۵۸ فراز و فرود فرقه دمکرات آذربایجان

چهل نفر از مالکین رساننده بود. عیسی لیقوانی فرزند دیگر حاجی احتشام نیز که نماینده مجلس بود با شوروی مناسبات دوستانه داشت. آوانسیان دستور داد که هنگام به خاک سپاری آن سه نفر که در برخورد مسلحانه به قتل رسیده بودند میتینگ یکی از بستگان حاجی احتشام و دادستان شهر تبریز مضروب شدند. در رابطه با این حادثه در گزارش یمیلیانوف کمیسر امنیت دولتی آذربایجان شوروی آمده است: «اعضای کمیته مرکزی حزب توده که از تهران آمده‌اند به جای اینکه با مالکین مرتجع مبارزه کنند علیه کسانی که در آذربایجان نسبت به اتحاد جماهیر شوروی اظهار دوستی می‌کنند دست به اقدام می‌زنند. این اعمال آنها القاء شبهه می‌کند» (۱۰۲).

xalvat.com

در گزارشی که سرویس اطلاعاتی ویژه اتحاد شوروی از تبریز فرستاده چنین می‌خوانیم: «حادثه لیقوان از نفوذ اتحاد شوروی در بین اهالی محلی کاسته است، مثلاً کیائی مدیر شعبه بانک ملی ایران در تبریز می‌گوید: «حاجی احتشام آدم روس‌ها بود، او اولین کسی بود که تلگرام دادن امتیاز نفت شمال به روس‌ها را امضاء کرد. انگلیسی‌ها از این موضوع مطلع بودند. بعد از وقوع این حادثه مسلم شد که روس‌ها از دوستان خود حمایت نمی‌کنند، آنها نسبت به همه چیز بی تفاوت‌اند. بعد از این حوادث تجار و مالکین روس‌ها را خوب شناختند و حالا از آنها دوری می‌جویند. من عقیده دارم که این کار زیر سر انگلیسی‌هاست. آنها در حزب توده اشخاص نفوذی دارند و از طریق آنها در کارهای روس‌ها در آذربایجان خرابکاری می‌کنند» (۱۰۳).

۱۸ اوت ۱۹۴۵ (۲۷ مرداد ۱۳۲۴) برای بررسی اوضاع آذربایجان کمیسیونی به ریاست سرلشکر جهانبانی و به عضویت سرتیپ خسروپناه به تبریز آمد. بیستم اوت اعضای این کمیسیون در سرکنسولگری اتحاد شوروی حضور یافتند و با ماتویف، یعقوب‌اوف و ژنرال گلینسکی مذاکراتی به عمل آوردند. در این دیدار یعقوب‌اوف اظهار داشت که در آذربایجان اوضاع خوب نیست و به احتیاجات و شکایات اهالی توجهی نمی‌شود. ژنرال گلینسکی از رفتار سرتیپ درخشانی فرمانده لشکر آذربایجان زبان به شکایت گشود.



سرتیپ علی اکبر درخشانی، فرمانده لشکر ۳ آذربایجان



۶۰ فرزند فرقه دموکرات آذربایجان

به عقیده سرلشکر جهانبانی افرادی برای غیرعادی جلوه دادن اوضاع آذربایجان شایعه پراکنی می‌کنند. روز ورود او به تبریز اشخاصی می‌خواستند با تعطیل بازار اوضاع شهر را ناآرام کنند. (بعدها معلوم شد که رهبران حزب توده که از تهران آمده بودند در این کار دست داشتند). سرلشکر جهانبانی اظهار داشت که باید نسبت به تعویض فوری استاندار تبریز اقدام به عمل آید و اشخاص معینی تبریز را ترک کنند. (۱۰۴) روز بیست و دوم اوت جهانبانی دیدار دیگری که با یعقوب‌اوف داشت گفت که نمایندگانی از جانب حزب توده و اتحادیه‌های کارگری به دیدار او آمده‌اند و پیشنهاداتی در مورد احتیاجات استان آذربایجان به او عرضه داشته‌اند. او اضافه کرد که کوشش خواهد کرد که تهران به این پیشنهادات پاسخ مثبت بدهد. (۱۰۵)

در روزهای پایانی ماه اوت ۱۹۴۵ (۵-۱۰ مرداد ۱۳۲۴) کارهای مقدماتی برای اعلام موجودیت فرقه دموکرات به پایان رسید. اسامی کسانی که قرار بود اعلامیهٔ بوروی تشکیلاتی فرقه به صدارت پیشه‌وری را امضاء کنند معین شده بود. پیش‌نویس این اعلامیه به تصویب مقامات رهبری باکو رسید و نسخه‌ای از آن به مسکو فرستاده شد.

xalvat.com

س. یملیانوف در گزارشی تحت عنوان «دربارهٔ روند پیشرفت کارهای مربوط به آذربایجان» می‌نویسد: بعضی از اعضای رهبری حزب توده برای تأمین منافع شخصی خود می‌کوشند. آرداشس آوانسیان و امیرخیزی در طرح‌ریزی بعضی عملیات خرابکارانه و غارت اموال دست دارند. آنها دعوت به قیام مسلحانه می‌کنند. گرچه این دعوت به قیام در ظاهر علیه رژیم مرتجع تهران به عمل آمده، لکن درواقع اقدامی است علیه تشکیل فرقه‌ای مستقل در آذربایجان. آنها مخالف مبارزهٔ آزادی‌خواهانهٔ ملی در آذربایجان هستند. (۱۰۶)

صبح روز سوم سپتامبر ۱۹۴۵ (۱۲ شهریور ۱۳۲۴) هنگامی که اهالی شهرهای آذربایجان از خواب برخاستند اعلامیه‌هایی را به زبان ترکی مشاهده کردند که به دیوارها چسبانده شده بود. این اعلامیه از تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان خبر می‌داد و هدف‌های فرقه در آن تشریح شده



آذربایجان: کشمکش میان تهران، باکو و مسکو ۶۱

بود. (۱۰۷) این اعلامیه که حدود هشتاد نفر از تجار، مالکین، فعالان سیاسی، روشنفکران، کارگران، دهقانان و روحانیون آن را امضاء کرده بودند. به زودی در شهرهای تهران، خراسان، مازندران و گیلان پخش شد. در این اعلامیه آمده بود: «آذربایجان که در طول تاریخ به عنوان پرچمدار آزادی شناخته شده دیگر نمی تواند تحت ستم و فشار حکومت مرتجع تهران باقی بماند و باید آزاد گردد. آذربایجانی که در گذشته از فرهنگ درخشانی برخوردار بود نمی تواند از بیسوادی رنجور باشد. خلق آذربایجان زبان زیبای مادری خود را دارد. آذربایجان باید با این زبان در مدرسه تحصیل کند و در ادارات بنویسد. ثروت های بیکران آذربایجان باید به خودش تعلق داشته باشد. باید در آذربایجان صنایع توسعه یابند و یک کشاورزی متحول به وجود آید. کارگر نباید بیکار و دهقان بی زمین باقی بماند. آذربایجان باید در همه زمینه ها آزاد و آباد گردد...» (۱۰۸)

xalvat.com

م. چشم آذر که یکی از بازیگران حوادث آن زمان در آذربایجان بود در کتابی که سال ۱۹۹۱ در باکو انتشار یافت می نویسد: «پیشه وری برای انتخاب نام فرقه اهمیت بسیاری قائل بود. به عقیده او در نامگذاری فرقه باید هدف های ویژه ای در نظر گرفته شوند.» (۱۰۹) لکن مدت ها قبل از تشکیل این حزب، نام آن روز ششم ژوئیه ۱۹۴۵ (۱۰ تیر ۱۳۲۴) در قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تعیین شده بود.

تا تاریخ خروج نیروهای شوروی از ایران براساس قول استالین در کنفرانس پوتسدام هنوز شش ماه باقی بود. این مدت کافی بود که تصمیمات گرفته شده از جانب اتحاد شوروی در مورد آذربایجان به اجرا درآیند.

روز ششم سپتامبر ۱۹۴۵ (۱۵ شهریور ۱۳۲۴) کنفرانس ایالتی حزب توده برگزار شد. در این کنفرانس ۱۱۲ نفر از تبریز و سایر شهرهای آذربایجان شرکت کرده بودند. نمایندگان که از مناطق روستایی آمده بودند درباره شدت گرفتن مبارزه علیه حزب توده گزارش دادند. سپس فریدون ابراهیمی اعلامیه فرقه دموکرات را قرائت کرد. ۳۱ نفر درباره این اعلامیه سخنرانی



۶۲ فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان

کردند که بسیاری از آنان اعلامیه را مثبت ارزیابی می کردند. لکن کسانی نیز علیه آن اظهار نظر کردند که از آن جمله بودند: قهرمانی نامی که سال ها قبل از اتحاد شوروی به سوی ایران رانده شده بود، آوانتوریستی به نام شاهیان، داوید گئورگیان عضو کمیته ایالتی حزب توده و مدیر یک روزنامه ارمنی زبان که علیه اتحاد حزب توده و فرقه دموکرات سخنرانی کردند. سامان زاده کارگر کارخانه کبریت سازی اظهار داشت که تشکیل فرقه دموکرات بازی جدیدی است علیه حزب توده که روز به روز بر نفوذ خود می افزاید. آرسن شاه نظریان اعلام داشت: «ما نه تنها با اعضای فرقه دموکرات همکاری نخواهیم کرد بلکه علیه آنها به مبارزه خواهیم پرداخت. دیر یا زود یا ما آنها را نابود خواهیم کرد و یا آنها ما را» (۱۱۰) در پاسخ به این اظهارات صادق پادگان درباره هدف و وظایف حزب جدید سخنرانی کرد.

xalvat.com

بعد از مذاکرات طولانی، کنفرانس روز هفتم سپتامبر قطعنامه ای صادر کرد. در این قطعنامه گفته می شد که خلق آذربایجان نسبت به تعطیل نشریه جبهه آزادی از طرف حکومت ارتجاعی اعتراض می کند. توضیح درباره مندرجات قطعنامه کنفرانس را در محل به عنوان وظیفه ای در برابر مجموعه تشکیلات حزب توده قرار می دهد. بر اساس قطعنامه این کنفرانس کمیته های ایالتی و ولایتی حزب توده با فرقه دموکرات آذربایجان متحد می شوند. کمیته ایالتی حزب توده نظامنامه و شعارهای حزب جدید را می پذیرد و برای تحقق بخشیدن به برنامه اتحاد دو حزب یک کمیسیون پنج نفره با توافق با رهبری فرقه تشکیل می شود. (۱۱۱)

ششم سپتامبر ۱۹۴۵ باقراوف در نامه خود به استالین می نویسد: «امروز کمیته ایالتی حزب توده بعد از مذاکره درباره اعلامیه فرقه دموکرات، مسئله اتحاد شعبه آذربایجان حزب توده را با فرقه دموکرات به نتیجه خواهد رساند» (۱۱۲)

مقامات شوروی در آذربایجان به مرحله اجرا درآوردن قطعنامه کنفرانس ایالتی حزب توده را با دقت زیر نظر داشتند. از قبل با بسیاری از نمایندگان



آذربایجان: کشمکش میان تهران، باکو و مسکو ۶۳

کنفرانس دربارهٔ انتخاب نامزدهای عضو کمیسیون گفت‌وگو شده بود. در نتیجه تشبّات مخالفان به جایی نرسید. از تبریز صادق پادگان و قیامی، از مرند برهانی، از سراب واقف و از اسکو یدالله کلاتری به عضویت کمیسیون، اتحاد انتخاب شدند.

xalvat.com

بعد از اعلام موجودیت فرقهٔ دموکرات، انگلیسی‌ها در میان عشایر جنوب ایران فعالیت‌هایی را برنامه‌ریزی کردند. در این باره میرجعفر باقراوف در نامهٔ خود به استالین به تاریخ ششم سپتامبر ۱۹۴۵ می‌نویسد: «برای منحرف کردن توجه انگلیسی‌ها و حکومت مرکزی ایران از اقدامات ما در مناطق شمالی ایران، خواهشمندم اجازه دهید در میان عشایر جنوب اقداماتی را برای خنثی کردن فعالیت‌های انگلیسی‌ها آغاز کنیم. به عقیدهٔ ما ایجاد ارتباط با خان‌های جنوب که دارای روحیات گوناگونی هستند ضروری است. از آنها می‌توان برای مقابلهٔ مسلحانه با طرفداران انگلیسی‌ها و راه‌اندازی جنبش‌هایی با شعارهای جدایی‌خواهانه علیه حکومت مرکزی استفاده کرد». (۱۱۳)

باقراوف در نامهٔ ۲۸ (۶ مهر) سپتامبر خود به استالین دربارهٔ آن دسته از روشنفکران، تجار و مالکان که در پیوستن به فرقهٔ دموکرات تردید نشان می‌دهند می‌نویسد: «آنها مطمئن نیستند که ما از این جنبش جدایی‌خواهانه تا آخر پشتیبانی خواهیم کرد». (۱۱۴)

در گزارشی که مأموران امنیتی شوروی برای استالین فرستادند می‌نویسند: «جنبش جدایی‌خواهانهٔ آذربایجان علاوه بر انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها، ترک‌ها را نیز جُداً نگران کرده است. از سفارت ترکیه در تهران به کنسولگری‌های آن دولت در تبریز و رضائیه نوشته‌اند که هدف نهایی از جنبش در شمال ایران، پیوستن آذربایجان ایران به اتحاد شوروی است. سفارت ترکیه به مأموران خود دستور می‌دهد که از مهاجرین سفید (کسانی که بعد از انقلاب اکتبر شوروی را ترک کرده‌اند. م.) و در درجهٔ اول مساوات‌چی‌ها (حزب طرفدار ترکیه که در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۲۰ در قفقاز فعال بود. م.) برای مقاصد تبلیغاتی استفاده شود». (۱۱۵)



۶۴ فراز و فرود فرقه دمکرات آذربایجان

اگرچه در قرار مورخه ششم ژوئیه (۱۵ تیر) کمیته مرکزی اتحاد جماهیر شوروی درباره سازماندهی جنبش‌های جدایی خواهانه در گیلان و مازندران و خراسان نیز دستوراتی صادر شده بود، میرجعفر باقراوف در نامه مورخه ۲۸ سپتامبر خود به استالین می‌نویسد: «از اینکه، تمام توجه و نیروی خود را برای عملیات تجسسی نفت در ولایات شمالی ایران و پیشبرد مسئله آذربایجان و کردستان معطوف داشته‌ایم نتوانستیم در گیلان و مازندران و خراسان عملیات مربوط به جنبش جدایی خواهانه را آغاز کنیم». (۱۱۶)

بیست و هشتم سپتامبر ۱۹۴۵ (۶ مهر ۱۳۲۴) از طرف رئیس سرویس اطلاعات مقیم آذربایجان برای باقراوف تقاضانامه‌ای درباره فرستادن سلاح ارسال شد. پخش سلاح در میان اهالی چنین برنامه‌ریزی شده بود: تبریز و اطراف آن ۲۰۰۰ قبضه، اسکو و اطراف آن ۱۰۰۰ قبضه، ارونق، صوفیان، شبستر، شرفخانه و خامنه ۱۰۰۰ قبضه، مهرانرود و حومه ۱۰۰۰ قبضه، میانه و گرمرود ۱۰۰۰ قبضه، سراب و روستاهای اطراف ۱۰۰۰ قبضه، اردبیل، مشکین شهر، خلخال، گرمی، نمین، پيله‌سوار و آستارا ۲۰۰۰ قبضه، مراغه و اطراف آن ۱۵۰۰ قبضه، ملک‌کندی و میاندوآب ۵۰۰ قبضه، مرند، جلفا و علمدار ۱۰۰۰ قبضه، ماکو و اطراف آن ۱۰۰۰ قبضه، خوی و سلماس ۱۰۰۰ قبضه، رضایه و اطراف آن ۱۰۰۰ قبضه، واهر و ارسباران ۲۰۰۰ قبضه. **xalvat.com**

علاوه بر آن دو میلیون فشنگ و برای رهبران فرقه ۵۰۰ قبضه سلاح کمری تقاضا شده بود. قرار بود این سلاح‌ها در پادگان‌های ارتش سرخ نگهداری شوند. در خاتمه قید شده بود که در تنظیم این برنامه میرجعفر پیشه‌وری و صادق پادگان همکاری کرده‌اند. (۱۱۷)

بنا به دستور مقامات مسکو سلاح‌های پخش شده در میان اهالی نباید ساخت شوروی باشند. از این رو کمیته امنیت دولتی آذربایجان شوروی برای رهبران فرقه ۲۹ قبضه سلاح کمری ساخت خارج و ۱۰۵۰ عدد فشنگ فرستاد. علاوه بر این قرار شد ده هزار قبضه تفنگ برنو ساخت ایران و ۱۰۰۰ قبضه مسلسل برنو، ۵۰۰۰ نارنجک ساخت آلمان، ۳۰۰ قبضه اسلحه کمری



آذربایجان: کشمکش میان تهران، باکو و مکر ۶۵

مارک «ماورز» و «براونینگ» ۵۰۰ قبضه «پارابلوم»، ۲۰۰ قبضه «والتر» و ... متناسب با این سلاح‌ها فشنگ فرستاده شود. (۱۱۸)

هشتم اکتبر ۱۹۴۵ (۱۶ مهر ۱۳۲۴) کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی و شورای کمیسارهای خلقی اتحاد شوروی درباره تشدید عملیات نظامی در آذربایجان قراری صادر کردند: به شورای نظامی باکو و کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان دستور داده شده بود که افرادی را برای از میان برداشتن کسانی که علیه جنبش جدایی خواهانه اقدام می‌کنند تعیین کنند. علاوه بر این در مورد مسائل اقتصادی نیز مذاکراتی به عمل آمد و به آناستاس میکویان کمیسر بازرگانی خارجی و وازنیسنسکی صدر کمیته برنامه‌ریزی دولتی دستوراتی داده شد. (۱۱۹)

xalvat.com

بیست و یکم اکتبر ۱۹۴۵ (۲۹ مهر ۱۳۲۴) ژنرال ماسلنیکوف فرمانده پادگان باکو و میرجعفر باقراوف در نامه‌ای که برای بریا کمیسر امور داخلی خلق اتحاد شوروی فرستادند نوشته‌اند: «برای اجرای قرار مورخه ۱۸ اکتبر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی درباره آذربایجان ایران اقدامات مشروحه در زیر به عمل آمده است: برای از میان برداشتن اشخاص و تشکیلاتی که مانع توسعه جنبش جدایی خواهانه آذربایجان می‌شوند ۲۱ نفر از مأمورین با تجربه در عملیات ویژه وابسته به کمیساریای امور داخلی و کمیته امنیت دولتی آذربایجان شوروی انتخاب شده‌اند. این رفقا از اهالی محل دسته‌های مسلح پارتیزانی تشکیل خواهند داد. برای کمک به این رفقا ۷۵ نفر دیگر معین شده‌اند. این گروه ابتدا به تبریز، اردبیل، میانه، رضائیه و مراغه اعزام خواهند شد. برای رعایت مخفی‌کاری، این مأموران ویژه تحت پوشش افراد ارتش سرخ در آذربایجان فعالیت خواهند کرد.» در پایان نامه برای هزینه این مأموران، اعتباری به مبلغ صد هزار ریال ماهیانه تقاضا شده است. (۱۲۰)

برای مذاکره درباره پیشرفت کارها در آذربایجان در اواخر ماه سپتامبر ۱۹۴۵ میرجعفر باقراوف به مسکو احضار شد. در آستانه برگزاری کنگره مؤسسان، در جلسه‌ای با شرکت مولوتف، بریا و مالنکف آخرین متن برنامه و



نظامنامه فرقه دموکرات مورد مطالعه قرار گرفت و در آن تغییراتی به عمل آمد. ضرورت گنجاندن مسئله تشکیل ارگان‌های خودمختار در این برنامه قید شد. گزارش باقراوف درباره سرعت بخشیدن به کارهای آذربایجان مورد موافقت قرار گرفت. باقراوف به محض مراجعت از مسکو درباره تغییرات برنامه دستورهایی به تبریز صادر کرد. برای به مرحله اجرا در آوردن تصمیماتی که گرفته شده بود، روز اول اکتبر از بودجه ویژه آذربایجان ایران مبلغ چهارصد هزار ریال به میرزا ابراهیم‌اوف و حسن حسن‌اوف پرداخت شد. بعد از بیست روز از محل همین بودجه مبلغ چهارصد هزار ریال در اختیار کریم‌اوف معاون سازمان امنیت آذربایجان شوروی قرار گرفت. (۱۲۱)

روز دوم اکتبر ۱۹۴۵ (۱۰ مهر ۱۳۲۴) نخستین کنگره مؤسسان فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز برگزار شد. در این جلسه ۲۳۷ نماینده و چهار مشاور شرکت کرده بودند. علاوه بر این، ۱۷ نفر از آن جمله نیکجو جانشین استاندار، الهامی شهردار تبریز، سالار رئیس شهربانی، آق‌اولی رئیس دارایی، مهمانان این کنگره بودند. کنگره در عرض سه روز با پذیرفتن برنامه و نظامنامه فرقه دموکرات، رهبران این فرقه را به اتفاق آراء انتخاب کرد. (۱۲۲) میرجعفر پیشه‌وری صدر هیئت رئیسه فرقه دموکرات انتخاب شد. معاونین او عبارت بودند از نظام‌الدین رفیعی، صادق پادگان و حاجی میرزا علی شبستری. اعضای هیئت رئیسه را سلام‌الله جاوید، حسن ظریفی، علی ماشین‌چی، غلامحسین فرشچی و جعفر ادیب تشکیل می‌دادند و اعضای مشاور عبارت بودند از حسن بیرنگ، حسن جودت و زین‌العابدین قیامی.

میرجعفر باقراوف دستورالعملی برای مأموران خود در تبریز فرستاد بدین مضمون: «باید تبلیغ کنید که در نیمه آذربایجان بزرگ که استان چهارم ایران را تشکیل می‌دهد اوضاع کنونی غیرقابل پذیرش است. باید به عملیات خود شدت بخشید. برای تشکیل «جمعیت دوستداران آذربایجان شوروی» شریف‌اوف و باقرزاده را در جریان بگذارید. اگر آنها در اسرع وقت شروع به کار نکنند ما به حساب آنها خواهیم رسید. اهالی محلی را نرنجانید. باید آنها خود را صاحبان



آذربایجان: کشمکش میان تهران، باکو و مسکو ۶۷

xalvat.com

اصلی مملکت بدانند و ما را به عنوان کسانی که به کمک آنها آمده‌اند بپذیرند. باید به آنها فهماند که ما به طور موقت آنجا هستیم و بعد از حداکثر چهار ماه آنها بدون کمک ما به اداره امور خواهند پرداخت. آنها باید خود را برای اجرای کارهای حزبی، دولتی و نظامی آماده کنند» (۱۲۳) باقراوف این دستورالعمل را به وسیله میرزا ابراهیم اوف به تبریز فرستاد. در دهه سوم ماه اکتبر (دهه اول آبان) حسن حسن اوف مسئول مأموران ویژه، آتاکیشیف و میرزا ابراهیم اوف با پیشه‌وری، شبستری و پادگان در چهار نوبت جلساتی تشکیل دادند.

برای خنثی کردن محاصره اقتصادی آذربایجان از جانب حکومت تهران، چهارم نوامبر ۱۹۴۵ (۱۳ آبان ۱۳۲۴) مولوتف صدر شورای کمیسارهای خلقی اتحاد شوروی قراری صادر کرد تحت عنوان «توسعه مناسبات اقتصادی با آذربایجان ایران» بر اساس این قرار می‌بایست در اسرع وقت به مقصد تبریز یک میلیون و پانصد هزار متر چیت، ۱۵۰۰ تن قند، ۴۸۸۰ تن محصولات نفتی، ۲۰۰ تن نخ و ۲۰۰ تن کاغذ ارسال شود. در مقابل به مؤسسات مختلف اقتصادی شوروی دستور داده شد که از مناطق مختلف آذربایجان ۴۵۰۰ رأس گاو، ۵۰ هزار رأس گوسفند، ۲۵۰۰ تن کشمش، ۱۵۰۰ تن برگه زردآلو، ۵۰۰ تن بادام و هزار تن پشم خریداری کنند (۱۲۴). صدور این قرار سبب استحکام موقعیت رهبران فرقه دموکرات شد و آنها را برای برداشتن قدم‌های عملی تشویق کرد.

بر اساس قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی مورخه ۸ اکتبر ۱۹۴۵، در نیمه اول ماه نوامبر ۸۰ نفر مأمور امنیتی که آموزش‌های ویژه دیده بودند به آذربایجان اعزام شدند و یک سری عملیات تروریستی انجام دادند: در میانه انصاری مالک معروف، در زنجان رهنما یکی از افراد نزدیک به محمود ذوالفقاری و احمد آقا الهیاری مالک روستای نقدوز به وسیله اعضای این گروه تروریستی به قتل رسیدند. در عین حال تشکیل گروه‌های مسلح از اهالی شهرها و روستاها آغاز شد. در ابتدا ۳۰۰۰ نفر در ۳۰ گروه مسلح شدند (۱۲۵).

شانزدهم نوامبر ۱۹۴۵ دولت‌شاهی کفیل استانداری آذربایجان، سرتپ درخشانی فرمانده لشکر و سرهنگ همایونی فرمانده ژاندارمری در تلگرامی



۶۸ فرزند خردم فرقه دمکرات، آذربایجان

که به تهران فرستادند اوضاع آذربایجان را تشریح کردند. غروب همان روز در تهران جلسه فوق العاده هیئت ویران تشکیل شد. سرلشکر ریاضی وزیر جنگ درباره مسلح کردن اهالی آذربایجان و آغاز شورش گزارش داد. در این جلسه تصمیم گرفته شد بعد از مطلع کردن شاه از اوضاع آذربایجان با مقامات سفارت شوروی در تهران مذاکراتی آغاز شود. مرتضی قلی بیات نخست وزیر سابق به استانداری آذربایجان منصوب شد. بعد از اعلام آمادگی جنگی ارتش ایران از وزیر جنگ خواسته شد که برای تقویت لشکر آذربایجان دو گردان پیاده و یک گروهان از ژاندارمری از تهران به آنجا فرستاده شود.

xalvat.com



مرتضی قلی بیات استاندار آذربایجان همراه کافتارزاده
فرستاده شوروی به ایران برای کسب امتیاز نفت شمال



آذربایجان، کشمکش میان تهران، باکو و مسکو ۶۹

هفدهم نوامبر (۲۶ آبان) میان سرلشکر ریاضی و سرهنگ رازین وابسته نظامی سفارت شوروی در تهران ملاقاتی صورت گرفت. در این دیدار سرلشکر ریاضی نگرانی دولت ایران را از تشکیل دسته‌های مسلح شبه‌انگیز در آذربایجان ابراز داشت. سپس سرلشکر ریاضی از وابسته نظامی سفارت شوروی خواش کرد که مقامات شوروی اجازه دهند یک گروهان از رضائیه به خوی منتقل شود و برای لشکر تبریز از تهران ۲۴ حلقه لاستیک اتوموبیل و نیز برای عملیات آموزشی فشنگ فرستاده شود. او همچنین خواش کرد که به مرتضی قلی بیات استاندار جدید آذربایجان اجازه دهند که با هوایمای شوروی به محل مأموریت خود تبریز پرواز کند. ریاضی به اطلاع سرهنگ رازین رساند که دولت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) برای برقراری روابط حسنه با شوروی از همه امکانات خود استفاده خواهد کرد. (۱۲۶)

غروب هفدهم نوامبر وابسته نظامی سفارت شوروی و معاون او سرهنگ ایوانوف به وزارت جنگ دعوت شدند. در این دیدار که با حضور رئیس ستاد



ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک)



۷۰ فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان

ارتش ایران صورت گرفت درباره توسعه نیروهای شوروی در شمال ایران تذکر داده شد و با در نظر گرفتن حوادث اخیر آذربایجان، ضرورت اعزام دو گردان پیاده و یک گروهان ژاندارمری به تبریز بار دیگر اعلام شد. در پایان بازهم تقاضا شد که مرتضی قلی بیات با هواپیمای شوروی به تبریز فرستاده شود.

صبح روز هجدهم نوامبر (۲۷ آبان) میان احد یعقوب اوف جانشین سفیر شوروی و نخست وزیر ایران ملاقاتی صورت گرفت. نخست وزیر مسائلی را که در وزارت جنگ مورد مذاکره قرار گرفته بود بار دیگر مطرح کرد. یعقوب اوف در پاسخ سخنان نخست وزیر چنین اظهار داشت: ما اطلاعی از ناآرامی های آذربایجان نداریم. برای اعزام نیروهای اضافی به آنجا باید با فرماندهی ارتش سرخ مستقر در ایران مذاکره کنید. توسعه نیروهای شوروی در شمال ایران صحت ندارد، برعکس بنا به دستور هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی عملیات تقلیل نیروهای ارتش سرخ آغاز شده است. برای فرستادن مرتضی قلی بیات به تبریز ضروری است با سرکنسول شوروی در تبریز مذاکره کنید. درباره بیرون بردن نیروهای شوروی از ایران هم اتخاذ تصمیم از آن حکومت شوروی است. (۱۲۷)

دولت ایران منتظر دریافت پاسخ شوروی نماند و به مقصد تبریز نیرو اعزام کرد و به وزارت جنگ دستور داد که گروه های اعزامی به هر قیمتی که شده باید وارد آذربایجان شوند. لکن ارتش سرخ در شریف آباد نیروهای ایرانی را متوقف کرد.

xalvat.com

روز هفدهم نوامبر (۲۶ آبان) دولتشاهی کفیل استانداری آذربایجان با مراجعه به رهبری فرقه دموکرات تقاضای ملاقات با کمیته مرکزی فرقه را کرد. در دیداری با پیشه وری، شبستری و رفیعی، دولتشاهی موضع رهبری فرقه را در مورد تشکیل دسته های مسلح در روستاها جویا شد. به او پاسخ داده شد که فرقه تشکیل دهنده این گروه ها نیست و آنها برای مقابله با اعمال وحشیانه ارتجاعی مسلح شده اند. به دولتشاهی گفته شد که فرقه دموکرات بارها جلوگیری از ارتکاب این رفتارهای وحشیانه را خواستار شد، لکن رؤسای شهرانی و ژاندارمی به این خواست ها توجهی نکردند.



100. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 112, v. 76-77.

101. *Ibid.*, v. 74-75.

102. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 110, v. 63-64.

103. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 114, v. 122.

104. *Ibid.*, v. 110-111.

105. AR MDYTA, f. 28, s. 4, i. 45, v. 12.

xalvat.com

(جمهوری آذربایجان - آرشیو مرکزی دولتی تاریخ معاصر، موضوع ۲۸، فهرست ۴، پرونده ۴۵، برگ ۱۲)

106. *Ibid.*, v. 56-57.

آغاز جنگ سرد در آذربایجان ۲۱۷

107. AR SPIHMDA, f. 1, s. 98, i. 117, v. 62-63.

108. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 114, v. 124-127.

109. *Ibid.*, v. 138-139.

110. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 112, v. 91-92.

111. *Ibid.*, v. 100-102.

۱۱۲. مجله خدافرین، ژانویه-مارس ۱۹۹۶، شماره ۱، صفحه ۳۶-۳۷؛ آرشیو سیاست

خارجی فدراسیون روسیه: موضوع ۶، فهرست ۷، جلد ۳۴، پرونده ۵۴۴، برگ ۸-۹.

- فصلنامه گفتگو، شماره ۱۷، سال ۱۹۹۸، (پاییز ۱۳۷۶) ترجمه مقاله ناتالیا یگوروا.

113. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 117, v. 73.

114. *Ibid.*, v. 74-75.

115. *Ibid.*, v. 79-81.

xalvat.com

116. *Foreign Relation of the US*, 1946, Volume VII, p. 504.

117. AR MDYTA, f. 28, s. 4, i. 28, v. 101-102.

118. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 112, v. 118-121.

۱۱۹. کمونیست، ۱۹۴۶، ۴ لوت.

120. *Foreign Relation of the US*, 1946, Volume VII, p. 511-512.

121. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 114, v. 278-280.

122. Richard Cottam. *Iran and United States*, p. 75.

123. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 114, v. 169-170.

124. *Foreign Relation of the US*, 1946, Volume VII, p. 512-514.

125. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 112, v. 122-123.

126. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 114, v. 182.

127. AR SPIHMDA, f. 1, s. 89, i. 112, v. 133-134.



ضمیمه

سرانجام پیشه‌وری

مرگ جعفر پیشه‌وری صدر فرقه دموکرات آذربایجان، در سال ۱۹۴۷ در آذربایجان شوروی اتفاق افتاد. ظاهراً او در یک تصادف اتومبیل صدمه می‌بیند و به بیمارستان منتقل می‌شود و در آنجا در می‌گذرد.

بعد از اجرای سیاست استالین‌زدایی توسط نیکیتا خروشچف، لاورنتی بریا، کمیسر امنیت دولتی اتحاد جماهیر شوروی، در مسکو محاکمه و به اعدام محکوم شد. در باکو نیز میرجعفر باقراوف و پنج تن از همکاران وی از آن جمله یملیانوف کمیسر امنیت دولتی آذربایجان شوروی و آتاکیشیف معاون او به محاکمه کشیده شدند.

xalvat.com

در سال ۱۹۹۳ نرگس رستم‌لی (قریان‌اوا) و تلمان علی‌اوف در باکو توسط انتشارات یازی‌جی کتابی منتشر کردند تحت عنوان دادگاه میرجعفر باقراوف. در این کتاب که براساس اسناد موجود در آرشیو وزارت امنیت دولتی آذربایجان شوروی تنظیم شده است، اظهارات شاهدان بسیاری را درباره جنایات باقراوف آورده‌اند. ما در اینجا اظهارات یکی از این شهود را نقل می‌کنیم که درباره مرگ مشکوک پیشه‌وری شهادت می‌دهد:



۲۲۰ فراز و فرود فرقه دمکرات آذربایجان

اظهارات سالیف لطیف صمد اوغلو به عنوان شاهد در دادگاه:

من از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ کارمند اداره سیاسی ن. ک. و. د. (کمیساریای خلق برای امور داخلی) بوده‌ام و از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۹ مدیریت شعبه وزارت امنیت دولتی رایون (ناحیه) ییلاق را به عهده داشته‌ام. در ماه ژوئن و یا ژوئیه سال ۱۹۴۷ اتومبیلی (تیر / مرداد ۱۳۲۶) در ۱۴ کیلومتری ییلاق تصادف می‌کند که یکی از سرنشینان آن دکتر (!) پیشه‌وری رهبر فرقه دموکرات آذربایجان بود. به محض اطلاع از وقوع این تصادف، شبانه به محل حادثه رفتم. در جاده‌ای واقع در محدوده ساوخوز «۲۸ آوریل» به اتومبیل مارک «هودسون» برخورد کردم که از نرده پل بالا رفته و کاملاً له شده بود. سرنشینان این اتومبیل یعنی پیشه‌وری، غلام یحیی دانشیان و نوری قلی‌اوف را که جراحاتی برداشته بودند به بیمارستان رایون منتقل کرده بودند. تنها کارنیک ملیکیان راننده اتومبیل در محل حادثه حضور داشت. هنگام تفتیش بدنی از او، مبلغ ده هزار روبل و یک اسلحه کمری مارک «والتر» کشف شد. من بعد از عکس‌برداری از محل حادثه و تدوین گزارش، به ییلاق مراجعت کردم و بلافاصله به بیمارستان رایون رفتم. پیشه‌وری با وجود شکستگی یک پا و یک دنده‌اش و صدمه دیدن سایر دنده‌ها در حالت بیهوشی نبود. نوری قلی‌اوف رئیس دفتر یملیانوف هم از هوش و حواس کامل برخوردار بود. ژنرال غلام یحیی زخم مختصری برداشته بود، لکن به خاطر جراحاتی که در ناحیه فک و دهان داشت قادر به تکلم نبود.

xalvat.com

من با مراجعه به پیشه‌وری از او خواش کردم که در مورد نحوه تصادف اتومبیل توضیحاتی بدهد. او اظهار داشت که شب قبل از وقوع حادثه در منزل حیدراوف رئیس اداره اکتشافات نفت شهر کیروف‌آباد (گنجه) مهمان بود. حوالی ساعت چهار صبح قلی‌اوف به او پیشنهاد می‌کند که با هم سفری به شهر نوخا بکنند، چون این شهر زادگاه اوست و در آنجا بزرگ شده است. قلی‌اوف به پیشه‌وری می‌گوید ما در آنجا استراحت می‌کنیم و روز را می‌گذرانیم. پیشه‌وری در پایان اظهارات خود چند بار کلمه «خیانت» را بر



سرانجام پیشه‌وری ۲۲۱

xalvat.com



پیشه‌وری

زبان آورد و گفت: «من در ایران یازده سال در زندان افرادی محبوس بودم. رضاشاه و قوام السلطنه نتوانستند مرا نابود کنند. حالا اینها نهایتاً به اجرای نیات خود نایل آمدند. من از او پرسیدم که چرا چنین اظهاراتی می‌کند. گفتم شما که با اتومبیل و راننده خودتان عازم سفر شدید. پیشه‌وری در پاسخ گفت «هم اتومبیل و هم راننده از آن ژنرال غلام یحیی بودند و نه مال من». پیشه‌وری در این اظهارات مملو از شک و شبهه به من حالی کرد که او عادتاً هیچ‌گاه پهلوی راننده نمی‌نشاند، لکن این بار او را بغل دست راننده نشاندد. پیشه‌وری در حین صحبت گفت که حالش خوب نیست و تقاضای امداد کرد. من بلافاصله به باکو به یملیانوف تلفن کردم و درباره وقوع حادثه و وضع مزاجی پیشه‌وری گزارش دادم. بعد از پنج-شش ساعت یک هواپیما به زمین نشست که سرنشینان آن عبارت بودند از کریم‌اوف معاون وزیر امنیت دولتی،



۲۲۲ فراز و فرود فرقه دمکرات آذربایجان

سلیم صمدوف معاون وزیر بهداشتی، پروفیسور ذوالفقار محمدوف جراح سرشناس، سرگرد ساريجالینسکی و چند نفر پرستار. پروفیسور محمدوف پیشه‌وری را مورد عمل جراحی قرار داد. بنا به درخواست من قبلاً از گنج قاسم خان طالشینسکی جراح و از قره‌باغ علیا جراح عصریان آمده بودند.

نوری قلی‌وف در گفت‌وگویی با من اظهار داشت که آنها برای استراحت عازم شهر نوخا بودند. ملیکیان راننده اتومبیل می‌گفت که هنگام رانندگی در شب خوابش برد و این کار سبب تصادف شد. لکن با توجه به اینکه فرمان اتومبیل از وسط دوتیم شده بود، واضح است که ملیکیان برای جلوگیری از خرد شدن قفسه سینه‌اش فرمان را محکم گرفته بود که این کار را در حال خواب نمی‌توانسته انجام دهد، بلکه با احساس خطر این‌گونه رفتار کرده است.

من براساس دلایل و شواهد زیر به این نتیجه رسیده‌ام که این حادثه تصادفی نبوده، بلکه برای قتل پیشه‌وری برنامه‌ریزی شده بود:

۱. بردن شبانه پیشه‌وری به شهر نوخا هیچ لزومی نداشت و راندن اتومبیل با سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت نیز ضروری نبود (با توجه به کیفیت بد راه‌های اتحاد جماهیر شوروی، سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت، آن هم هنگام شب سرعتی خطرآفرین بود...م.) **xalvat.com**

۲. پیشه‌وری را نه با اتومبیل خودش، بلکه با اتومبیل ژنرال غلام یحیی به این سفر بردند و راننده نیز راننده غلام یحیی بود.

بعد از مرگ پیشه‌وری، روبن سرکیس‌وف مدیر شعبه امنیت رایون شامخور به اطلاع من رسانید که ملیکیان راننده اتومبیل، فرزند رهبر تشکیلات داشناک‌ها در ایران است و گالا همسر لهستانی او کارمند سفارت انگلستان در تهران بوده است. براساس این داده‌ها، سرکیس‌وف پرونده‌ای علیه ملیکیان تشکیل داده بود که این پرونده در شعبه «آ» وزارت امنیت دولتی به ثبت رسیده و رسمیت یافته بود.

بعد از وقوع حادثه تصادف اتومبیل، فرج‌وف وزیر امنیت دولتی



سرانجام پیشه‌وری ۲۲۳

جمهوری خودمختار نخجوان نیز اظهار نمود که او مدت‌ها قبل طی تلگرافی به یملیانوف وزیر امنیت دولتی آذربایجان اطلاع داده بود که ملیکیان عامل یک ارگان اطلاعاتی بیگانه است (فرج‌اوف در مورد فعالیت عوامل خارجی به اطلاعاتی دست یافته بود).

xalvat.com

با وجود اینکه یملیانوف از مدت‌ها قبل چنین اطلاعاتی را در اختیار داشت، ملیکیان به‌عنوان راننده ژنرال غلام یحیی به کار خود ادامه می‌داد. حتی در مورد رانندگی برای شخص پیشه‌وری نیز به او اطمینان کرده بودند، یعنی درواقع پیشه‌وری را به‌دست او سپرده بودند.

نکته جالب اینجاست که کلیه کسانی که در جریان جزئیات مرگ پیشه‌وری قرار گرفته بودند، از جانب باقراوف و یملیانوف مورد تعقیب قرار گرفتند: سرکیس‌اوف را از وزارت امنیت دولتی اخراج کردند. او در حال حاضر مدیر یک گرمابه عمومی است. عذر مرا هم از این وزارتخانه خواستند و اکنون مدیر یک مؤسسه تعلیم رانندگی هستم. فرج‌اوف را در نخجوان از وزارت امنیت دولتی به مدیریت یک شعبه تنزل دادند. در مقابل، نوری قلی‌اوف که رئیس دفتر وزارتی بود، بعد از وقوع این حادثه به مقام معاونت وزیر ارتقاء یافت. اعمال و رفتار تیمور یعقوب‌اوف وزیر کشور نیز ایجاد شک و شبهه می‌کند: او که هنگام وقوع حادثه در گنجه بود، بلافاصله به رایون ییلاق می‌آید، لکن از رفتن به بیمارستان و عیادت از پیشه‌وری خودداری می‌کند. چنین به نظر می‌آید که وی از این دیدار واهمه داشت. یعقوب‌اوف منتظر نتیجه عمل جراحی نشد و قبل از عزیمت به محل کار خود به من و مدیر شعبه وزارت کشور ناحیه ییلاق تذکر داد که هیچ‌کس نباید از مرگ پیشه‌وری مطلع گردد. لکن دو-سه روز بعد، رادیوی ایران خبر این حادثه را پخش کرد. سابق بر این یملیانوف نسبت به من نظر بسیار مساعدی داشت. او حتی می‌خواست مرا به مدیریت شعبه چهارم وزارت امنیت منصوب کند. لکن بعد از وقوع حادثه، ناگهان نظر او نسبت به من تغییر کرد. هنگامی که به ییلاق آمد من از او پرسیدم تحقیقات درباره مرگ پیشه‌وری به کجا رسیده است؟



۲۲۴ فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان

یملیانوف بسیار خشمگین شد و گفت: «صاحب این مملکت کیست؟ من و باقراوف یا تو؟»

xalvat.com

کارمندان وزارت امنیت دولتی اتحاد جماهیر شوروی، برای رسیدگی به علل مرگ پیشه‌وری از مسکو به باکو آمدند. لکن باقراوف، یعقوب‌اوف و قلی‌اوف چنان تمهیداتی به عمل آوردند که اعضای این کمیسیون با من که بعد از وقوع حادثه با پیشه‌وری گفت‌وگو کرده بودم ملاقات نکنند. من چنین نتیجه می‌گیرم که به نفع باقراوف و یملیانوف نبود که اظهارات پر از شک و تردید من در این باره به گوش کسانی که از مسکو آمده بودند برسد.

در بیمارستان پیشه‌وری خواهش می‌کند که پسرش را که در آن زمان در گنجه بود که از محل حادثه ۷۰ کیلومتر فاصله داشت به بالینش بیاورند. حداکثر بعد از یک ساعت او می‌توانست خودش را به پدرش برساند. لکن این خواهش پیشه‌وری را برآورده نکردند. بعد از تصادف، پیشه‌وری به مدت ۲۴ ساعت زنده بود و در تمام این مدت هوش و حواس او سرجایش بود. چنین به نظر می‌آید که آنها می‌ترسیدند که پیشه‌وری تصادفی نبودن حادثه را به پسرش که در آن زمان بیست ساله بود بگوید.

من به این نتیجه رسیده‌ام که پیشه‌وری را به قتل رسانده‌اند، لکن از اینکه چه کسی او را کشته است دلیل قاطعی در اختیار ندارم. من مطمئنم که در مرگ پیشه‌وری باقراوف، یملیانوف، یعقوب‌اوف و قلی‌اوف دست داشته‌اند. رفتار شبهه‌برانگیز اینها بعد از وقوع حادثه مرا به این نتیجه‌گیری رسانده است.